

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) د.خارج از کشور

جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۳ برابر ۲۷ آوریل ۱۹۸۴
پها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۴

افزایش تولید به بهای تحکیم وابستگی و تشدید فشار بر کارگران

بنیادین ندارد. اکنون اینها هم می خواهند ساختار اقتصادی کشور اساساً همان ساختار قبلی باشد و فقط در مناسبات روبنایی نقش برداشتهای ارتجاعی از عنصر مذهب بطور بقیه در صفحه ۴

"راهی را که این حکومت انتخاب کرده است راه تثبیت سرمایه داری وابسته و حفـظ وابستگی کشور به سیستم جهانی امپریالیستی است. جامعه ای که اینها می خواهند بسازند با جامعه ای که شاه می خواست بسازد، تفاوت

مبارزات مطالباتی کارگران بر محور شعار افزایش دستمزد اوج میگیرد

که در عرصه اقتصادی گریبانگیر آن میباشند. به کارست شعرا افزایش تولید به هر قیمت که اکنون به خواست سرمایه داران تبدیل گردیده. رو آورده بقیه در صفحه ۶

اکنون که جمهوری اسلامی چهار اسپه بسوی تحکیم نظام سرمایه داری شتافته و ایران را جلوانگاه کلان سرمایه داران غارتگر کرده است و برای حل مشکلات و معضلاتی

حزب توده ها جاودانه می ماند

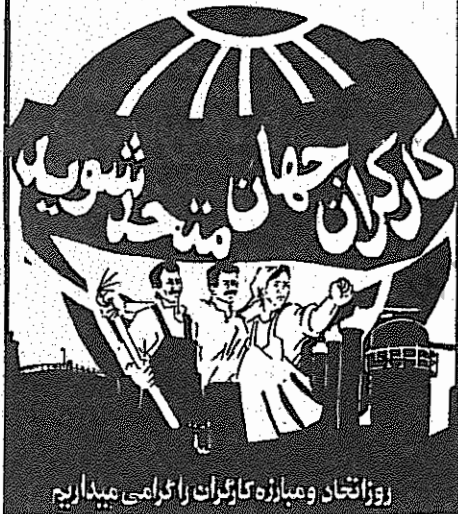
یکسال پیش در چنین روزهایی، یورش به تشکیلات حزب توده ایران آغاز گشت. حاکمان جمهوری اسلامی، با کمک سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی و با همکاری ساواکیهای بخدمت گرفته شده نومسلان، یکی از کثیف ترین و شیرانه ترین جناحها و خیانتپناهی خود را علیه پاکترین فرزندان خلق با انجام رساندند. پس از دستگیری رهبران حزب، یورش و م به حزب توده ایران، این دژ کهنسال و پایدار استقلال و آزادی میهن، این سرسخت ترین مدافع حقوق زحمتکشان و محرومان با هجومی او با شانه و شیرانه آغاز گشت. هزاران نفر راهی فراموشخانه های جمهوری اسلامی شدند. دهنها نقریزشکنجه به شهادت رسیدند و بنا اعدام گشتند.

اکنون پس از گذشت یکسال و با فروتنستن گرد و خاک تبلیغاتی رژیم، پیش از پیش اهداف و نیات حاکمیت جمهوری اسلامی از ایمن یورش و دمنشانه آشکار می گردد. سازمان ما از همان ابتدا، حمله به حزب را حمله به دستاوردهای انقلاب و تلاش برای تثبیت غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و برگشتن امپریالیسم به کشور با کمترین امکان مقاومت از سوی مردم ارزیابی نمود و اعلام کرد: "این موج سرکوب به هیچ وجه فقط علیه حزب توده ایران نیست. جهت اصلی آن علیه همه هستی انقلاب است و هدف آن در سایه شوروی ستیزی فراهم کردن زمینه گسترش و بازسازی بقیه در صفحه ۲

بیا ای ماه مه!

بیش از ۹۳ بار این روز را جشن گرفته ایم. جشن؟ اگر بتوان به نظاهراتی کم در رگبار گلوله سرمایه داران بخون می نشیند نام جشن نهاد. جشن؟ اگر بتوان یورش زاندها و پلیسهای استعمارگران و سرکوب خونین آنان نام جشن نهاد. جشن؟ اگر بتوان به گلوله باران بورژوازی بر پیکر معدنچیان نام جشن نهاد. از شیکاگو تا کاستیلون پاریس، از پترزبورگ تا تهران بیش از ۹۳ بار جشن گرفته ایم. آمده ایم تا "داغ لعنت" سرمایه راز چهره برکتیم، آمده ایم تا "حقوق" خود را از استعمارگران روح و جان خویش بازستانیم. ما "اردوی بیشمار" کاریم "اردوی بیشماری" که هر روز جانش در زیر چرخ دنده های سرمایه ریز می شود، اردوی بیشماری که چه بسیار چه بسیار چاهها، دستها و پاها را در لای دنده های چرخ بزرگ سرمایه فدا کرده است. "اردوی بیشماری" کسه آبدیده گشته، جنگیده و پیروز شده، بـسـر تارک همه تلاشهای ما، کارگران متحد جهان، سوسیالیسم می درخشد و سرمایه داری معاصر فرو می باشد. جد از یکاری بورژوازی، جنگ

۱۱ اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر



بورژوازی، قحطی و گرسنگی بورژوازی و دمکراسی بورژوازی، ما سازندگان این عصر، پروتاریای از بند رسته و درستیز، همعا با خلقهای پیروز و درستیز، این روز را، اول ماه مه را هر سال تا "روز نبرد قطعی" جشن خواهیم گرفت، جشن!

خاطره اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۶۰،
بزرگترین میتینگ تاریخ سازمان
در یادها جاودانه میماند
در صفحه ۷

افزایش قیمت کالاها و خدمات
برای تامین مخارج جنگ در صفحه ۹
مجلس هماهنگ با
حاکمیت روبرو یافته از خلق در صفحه ۲

جشن آغاز چهاردهمین
سال حیات انقلابی سازمان
در فیلیپین
در صفحه ۵

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

حزب توده‌ها جاودانه می ماند

بقیه از صفحه اول

مناسبات با امپریالیسم است" سیربندی و قسایح درستی این ارزیابی را بروشنی به اثبات رساند. انعقاد دشتابناک قرارداد های غارتگرانه کلان بسا انحصارات امپریالیستی، پیش از پیش باز گذاشتن دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان زالوصفت در غارت و چپاول زحمتکشان شهر و روستا، وخامت اسفناک زندگی زحمتکشان، تشدید اختناق و پایمال کردن حقوق صنفی و سیاسی توده های مردم، تشدید جنگ افروزی های جنون آمیز حکومت همه و همه نشانه های این امر است.

آخر مگر میشود "تجار محترم" "استوانه های انقلاب" باشند اما پیگیرترین مدافع مملسی شدن تجارت خارجی سرکوب نشود؟ مگر میشود بر سند پینه های دست د هقانان مهر باطل بخورد و سندهای شرعی و آریامهری اعتبار بیابد اما حزبی که شعار اجرای "بندچود" مصوبه های شورای انقلاب را به نیروی مادی در میان توده ها تبدیل کرده است به زیر تازیانه های "تعزیر" برده نشود. مگر می شود به معاهدات انقلاب بهمن خیانت کرد اما مدافعان شعار استقلال آزادی، عدالت اجتماعی سرکوب نشوند. مگر می شود جنگ این عفریت خانمان سوز ایران بریادده راجنون آساده داد، اما صدای طالبان صلح و قطع جنگ را خاموش ساخت. بالاخره مگر می شود راه دوستی با امپریالیسم جهانی را پیچود اما سنگسار پرشورترین میهن پرستان را بخون نکشید و آنرا چون کفار گناهان گذشته به درگاه خدایان سرمایه تقدیم نکرد؟

بی جهت نیست که خامنه ای رئیس جمهور مدتی بعد در دیدار با سفیرا و کارداران خارجی اعلام می کند "قدرتهای بزرگی که در شورای امنیت عضویت دارند باید بتوانند باردیگر حسن ظن ما را جلب کنند" و برای حصول اطمینان خاطر مخاطبین خود که منظوری از "قدرتهای بزرگ" کدامند تأکید می کند که: "ما با گروههایی که در داخل در صد زمینه سازی برای نفوذهایی بودند برخورد کردیم و آخرین نمونه آن حزب توده است و باید بگویم حزب کمونیست ایران بود. . . . مجازات اینگونه افراد بر اساس قوانین ما بالاترین مجازاتهاست." به بیان صریحتر خامنه ای می گوید بدانید که مساس سرسخت ترین دشمنان شما را به بالاترین مجازاتها رسانده ایم و می رسانیم، بپذیرید

این قربانیها را! در کنفرانس سران هفت کشور امپریالیستی در ویلیامز بزرگ رسماً اقدامات مثبت جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به غرب تأیید شد.

یورش به تشکیلات حزب توده ایران در هفتم اردیبهشت و متعاقب آن نمایشهای تلویزیونی شلاق و شکنجه در اول ماه مه دقیقاً از نظر زمانی نیز حساب شده به سود رژیم که می دید اعتبار و نفوذ حزب توده ایران و جنبش کمونیستی در میان طبقه کارگر ایران روز بروز گسترش می یابد. موشی حزب توده ایران بعنوان یگانه موشی درست در انقلاب شناخته شده و باستانی دم افزون در میان توده ها نفوذ می کند و بعینه تشخیص می داد که اگر همین وضع ادامه یابد در شدن شاز مردم حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" را پناهگاه مردم خواهد کرد این توطئه کیف را بارز دلانه ترین شیوه ها در مورد حزب توده ایران اجرا و برای سازمان متدارک دید. البته که حاکمان کارگرسد نیز جمهوری اسلامی آنان که بتدگی درگاه سرمایه را پذیرفته اند می بایست که چنین روز و آستانه اول ماه مه را برای اجرای توطئه خود انتخاب کنند.

اما چه زود این دون مایگان پلید فکر به بن بست رسیدند و جز بی آبرویی و ننگ جز ازنجار و تنگ توده های مردم میهنمان و تمامی بشریت متری نصیبی برای خود نیافتند. مگر حکم تاریخ را میتوان با شلاق و شکنجه متوقف کرد. مگر با ربودن گوهر شرف این یا آن فرد میتوان بر خیانتهای و جنایتها سروش گذاشت.

اینک هزاران رزمنده کمونیست در سراسر میهنمان با افتخار و سرافرازی و شجاعست و پایمردی به کار آگاه هرگانه و سازمانگر در میان توده های میلیونی مردم میهنمان مشغولند. حزب توده ایران موفق شد با برگزاری هیجدهمین پلنوم خود و با بازسازی دستگاه رهبری حزب به دشمنان طبقه کارگر و مردم، به خائنین به انقلاب نشان دهد که حزب همچنان استوار و پابرجا در دفاع از زحمتکشان و محرومین میهنمان ایستاده است.

حزب زنده است چرا که توده ها زنده اند. راه حزب ادامه میابد چرا که راه توده هاست. آرمان حزب جاودان میماند چرا که آرمان زحمتکشان میهن ماست.

مجلس هماهنگ با

حاکمیت روپرفافته از خلق

پیش از این درباره انتخابات د و ره و م مجلس شورای اسلامی سخن گفته ایم. اینک که مرحله اول این انتخابات پایان یافته است، لازم به نظری رسد که نگاه می، هر چند کوتاه، به چگونگی برگزاری آن و اهداف حکومت در برگزاری این انتخابات داشته باشیم.

هفته ها پیش از برگزاری انتخابات، رفیق فرخ نگهبان در پیرا و ل کمتصرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تحلیل سازمان از اهداف حکومت در این رابطه را تشریح نمود. اساس این تحلیل عبارتست از اینکه بعلاست شرایط خاص انتخابات د و ره و ل مجلس، نمایندگانی به آن راه یافتند که مواضع ضد امپریالیستی و مردمی آنها از رهبری جمهوری اسلامی برجسته تر بود، و همین امر باعث بروز تضاد میان مجلس و شورای نگهبان بمنزله ازاده رهبری، گردید. رفیق نگهبان افزود:

"اکنون هدف، اساسی رهبری جمهوری اسلامی در این انتخابات این است که این تضاد را با تغییر ترکیب مجلس بسو دخود حل کند و برای رسیدن به این مقصود یگانه راهش اینست که تا شورا را در انتخابات تا هر حد ممکن که می تواند مهار و خنثی و بی اثر و حذف کند." (مسائل انقلاب و مواضع ما - ۲)

تعام جریان تدارک و برگزاری انتخابات از آغاز تاکنون صحت این ارزیابی را نشان می دهد. سران حکومت به قصد هماهنگ کردن مجلس با خود، انتخابات را بر پا کردند. حتی در آستانه انتخابات، ایامی که سران حکومت در بیانات و موضع گیریهای خود "احتیاط" بیشتری به خرج می دادند، گفته شد:

"انشاء الله مجلس خوب باشد. پس داشتن علماء و قانون دان ها، حقوق دانهای نگهبان، شورای نگهبان، ما آرام هست دلمان برای اینکه در مجلس انشاء الله مسایلی برخلاف اسلام و برخلاف مصالح مسلمین نخواهد گذشت و اگر اشتباهی در مجلس واقع بشود، شورای محترم نگهبان که در این دوره با کمال قدرت و استقلال عمل کرد، در دوره های دیگر هم منظور باشد." (سخنان آیت الله خمینی، کیهان ۲۰ فروردین)

برای درست کردن يك مجلس "خوب" مجلسی که اعضای آن جز "تکبیر" و "احسنت" نگویند، توطئه مهار و خنثی و بی اثر و حذف کردن تا شورا را در انتخابات تا هر حد ممکن به اجرا درآمد.

نخستین گام، از بین بردن کامل دستاورد های انقلاب در زمینه آزادی های دمکراتیک و حقوق دمکراتیک و حقوق مردم بود.

چگونه روز اول ماه مه روز کارگر شد

در روز اول ماه مه آردوی عظیم کار، با صغی متحد و یکپارچه با پرچی آفرشته بارز بی امان خود آردوی سرمایه رابه لرزه می اندازد. همه ستکشان صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، ایدئولوژی و عقیده سیاسی خود در این جشن باشکوه شرکت می کنند. در روز اول ماه مه، ارتش جهانی کارگران نیرو و توان خود را برای دستیابی به استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم به نمایش می گذارند.

جنبش ۸ ساعت کار روزانه در سال ۱۸۸۴ در آمریکا آغاز گشت. "فدراسیون کارگران آمریکا" در چهارمین کنگره خود تصویب نمود که از اول ماه مه ۱۸۸۶ هشت ساعت، مدت قانونی کار خواهد بود. در این کنگره سه سایر تشکلهای کارگری توصیه گردید که از این تصمیم پیروی کرده و جهت به کرسی نشاندن این خواست مهم دست به اعتصاب و راهپیمایی زنند.

مرکز اعتصابات شهر شیکاگو بود. در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ هزاران کارگر ا هزار کار را به زمین گذاشتند و بیکارمقدس ۸ ساعت کار روزانه را آغاز نمودند. سرمایه داران و دولت حامی آن نیز ساکت ننشستند و یاد ستگیری رهبران اعتصابی شهر شیکاگو در صدد برآمدند که بر مبارزات کارگران رزمند و آمریکایی ضربه وارد آورند. مارد رجونز، چهاره سرشناس جنبش سندیکیایی آمریکا در نیم دوم قرن نوزدهم این روز را چنین توصیف می کند:

"کارگران، مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه را آغاز کردند. سندیکاها از آنان حمایت می کردند. کارفرمایان واژه "آناشسی" را علم می کردند تا جنبش را خفه کنند. هرکس که طرفدار ۸ ساعت کار روزانه بود " دشمن وطن، خائن و آناشسیست " نامیده می شد. شور و هیجان شدت یافته بود. شهر شیکاگو به د وارد وی متخاصم تقسیم شده بود، یک طرف کارگران یخ زده از سرما، گرسنه و بیکار که چیزی نداشتند جز مشت هایشان در برابر اسلحه و با طوم پلیس و از سوی دیگر کارفرمایان محفوظ از سرما و گرسنگی، تحت حمایت پلیس و نیروهای دولت مقتدر!

اول ماه مه فرارسید. قرار بود در این روز مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه آغاز شود. روزنامه ها از مدتی پیش تبلیغات زهرآگین خود را علیه جنبش و برای ترساندن مردم شروع

کرده بودند. اعتصابات و راهپیماییها از چهار سوی شهر آغاز شد. کارفرمایان شبح انقلاب را جلوه می دیدند. آجرها بود که پرتاب می شد و شیشه ها بود که می شکست. افراد پلیس حمله را شروع کردند. عده زیادی در تیراندازی کشته شدند. عده ای دیگر در زیر سم اسبها لگد کوب گشتند و دختران و پسران بسیاری تا حد مرگ کتک خوردند. شب ۴ مه میتینگی در یک محله فقیر نشین شهر برپا بود. شخصی برای مردم سخنرانی می کرد. ناگهان بمبی از یک پنجره مشرف به میدان پرتاب شد و چندین مامور کشته شدند. شهر عقل خود را از دست داد. در این میان فریاد حق طلبانه کارگران و حقانیست جنبش ۸ ساعت کار روزانه بود که زیر فراخوانهای انتقام جوانان خفه شد. صد ها نفر یازدها کشته شدند ولی تنهاکسانی به دادگاه فرستاده شدند که برای ۸ ساعت کار روزانه مبارزه می کردند.

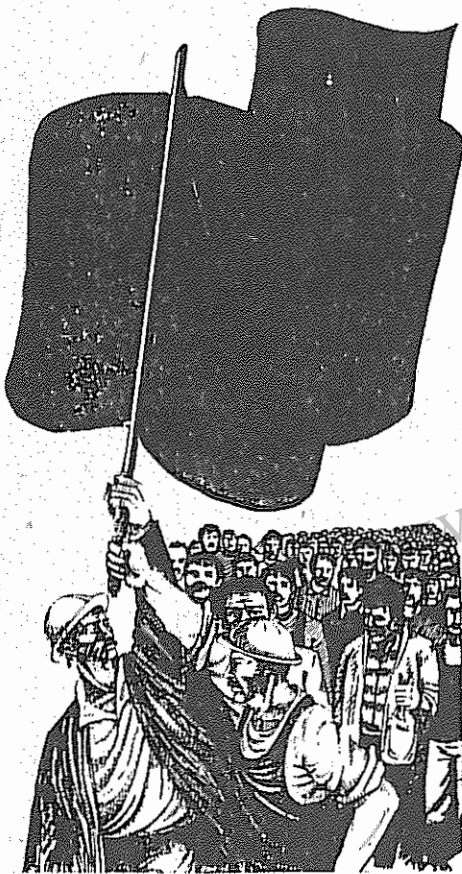
آنها چند ماه بعد اعدام شدند. جمعه ۱ نوامبر پاسورن، اسپایسی، فیشر و الکل رهبران جنبش اعتصابی را بدار آویختند. روز یکشنبه مراسم تشییع جنازه انجام گرفت. هزاران کارگر جنازه ها را بدرقه کردند. صف آنان به کیلومتر ها می رسید. آن روز سرمایه داران شیکاگو از ترس بر خود لرزیدند. اجساد شهداد رگورستان شهر به خاک سپرده شد. اما هدف همچنان برجای خود باقی بود:

"مبارزه برای ۸ ساعت کار روزانه، مبارزه برای زندگی بهتر، مبارزه برای ایجاد روابط انسانی میان انسانها و ادامه داشت و همچنان نیز ادامه دارد."

نقل از "خاطرات مادر جونز" از این به بعد اغلب کشورهای جهان در اول ماه مه شاهد خروش میلیونها کارگر بود که در این روز با راهپیمایی و جشنهای کارگری خاطره کارگران مبارز آمریکایی را گرامی می داشتند و خواستهای عادلانه و برحق خویش را مطرح می ساختند. در اولین کنگره تجدید بنیای انترناسیونال در سال ۱۸۸۹ در پاریس که بعدا انترناسیونال دوم نام گرفت، اول ماه مه بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگران جهان نامیده شد.

اکنون آرمان و خواستهای انقلابی کارگران به خون خفته شیکاگو و کارگران سراسر

با تودل جنبش مبارزین است
گویند که مبارزین است
از روز نخست تا امروز
با این است جهانم مبارزین است



جهان در سوسیالیسم واقعا موجود متجلی شده است.

آرد و گاه سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی دژ استوار انقلاب جهانی است که با گردانهای دیگر کارگران کشورهای سرمایه داری جنبشهای رهایی بخش و کشورهای رها یافته از ستم استعماری، در نبرد مشترک علیه امپریالیسم، جنگ و ارتجاع می رزمند.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

افزایش تولید به بهای تحکیم وابستگی و تشدید فشار بر کارگران

بقیه از صفحه اول

قابل ملاحظه ای افزایش یابد" (رفیق فرسخ نکهدار، مسایل انقلاب و مواضع ما ۲) .

اکنون سرمایه داری در چهارچوب همان اسلوبها و شیوه های آریامهری به رشک غارتگرانه و لجام گسیخته خود در ایران ادامه می دهد . مصالغی هاشمی وزیر صنایع طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته است : " با وجود مشکلات بسیار در سال گذشته و کمبود مواد اولیه وزارت صنایع به ادامه و تولید و عدم وقفه در تولید همچنان ادامه داد ، بطوریکه طی سال گذشته تولید کالا های صنعتی در ۶ ماهه اول ۶۲ نسبت به موعد مشابه سال ۶۱ - ۳۲ درصد رشد داشته است " (کیهان ۱۵ فروردین) البته از وی انتظار نمی رود که بگوید ، این افزایش تولید با شرکت جمهوری اسلامی در تقسیم کار بین المللی سرمایه داری و در راستای خواستهای انحصارات امپریالیستی و به بهای به محنت نشاندن کارگران و اعمال مقررات پادگانی در مورد آنان و ترکانی سرمایه داران و مدیران دولتی در کارخانه ها منسر شد .

افزایش تولیدی که وزیر صنایع جمهوری اسلامی از آن سخن می گوید ، به نظرمان نتیجه سه عامل زیر است :

احیای پرستاب مناسبات وابستگی با دول امپریالیستی

صنایع و متناژ ایران یکی از ابزار مهم سلطه انحصارات بین المللی بر ایران است ؛ در چهار سال نخست پس از انقلاب ، با اوج گرفتن مبارزات ضد امپریالیستی و مردمی در ایران ، امپریالیستها با ایجاد محاصره اقتصادی و عدم فروش مواد و قطعات مورد نیاز کارخانجات ، باعث کاهش تولید کالا و افزایش بیکاری و رکود صنعتی می شدند ولی با چرخش به راست هیات حاکمه و تثبیت حاکمیت سرمایه داران غارتگر ، سیل مواد و قطعات مورد نیاز صنایع و متناژ و بهمهراه آن کارشناسان فنی کشورهای امپریالیستی به ایران سرازیر شد . این هجوم واردات قطعاً و کالا که بعضی از آنها فقط با الصاق اتیکت (مانند ری او ، واک که باطریها از آلمان وارد می شوند) و برخی با تخییرات جزئی به عنوان تولید داخلی اعلام می شوند ، بحدی وسیع و در حال افزایش بود که رهبران جمهوری اسلامی را واداشت تا در ماههای آخر سال گذشته برای رساندن آنها به صنایع وابسته و بیمار ایرانی ، اعلام جهاد تخلیه کالا از بنادر بنمایند .

سرمایه داران به " خدمت " خوانده شده

انگلستان برای خرید ورق فشرده و باکمپانیهای آلمان غربی برای تهیه مواد دیرچندین قرارداد بسته شده یاد رشف انعقاد است . در نفت پارس با وجود رجحان و برتری تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی ، شرایط وارد کردن تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی ، شرایط وارد کردن تکنولوژی صابون سازی را از کشورهای امپریالیستی فراهم کرده اند . در واکن سازگی که به کمک لهستان مراحل نصب آن به سرعت پیش می رود ، در برنامه ریزی از کارشناسان آلمان

و مدیران دولتی هر روز به آورد جدیدی از کشورهای امپریالیستی دارند و قرارداد های جدیدی را در چهارچوب شرایط از پیش تعیین شده دول امپریالیستی با انحصارات بین المللی انعقاد می کنند ؛ اطلاعات موجود حاکی از احیای روابط گسسته دیروز و تشدید وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی است . جدول زیر نمونه هایی از روند باز سازی روابط سلطه گرانه امپریالیستها با جمهوری اسلامی را نشان می دهد :

" نمودار واردات و قطعات صنعتی از کشورهای امپریالیستی "

نام کارخانه	ماشین آلات خریداری شده	کشور
جیب	۸۰۰۰ جیب ، شهباز و آهو	آمریکا - از طریق کانادا
ایران تاسیو نال	افزایش ۳۵ هزار قطعه به ۹۵ هزار	تالبوت - انگلستان
استار لایت	ماشینهای جدید تولید	آلمان فدرال
شوفاز کار	کوره نیمه اتوماتیک (در شرف معادله)	"
استار لایت	ماشینهای جدید تولید	"
عبیدی	دستگاههای جدید	"
ماشین سازی اراک	۲۰۰ جرثقیل	ژاپن
ایران تایر	مشغول مذاکره برای عقد قرارداد	ایتالیا
شیشه مینا	وسایل یدکی کوره ها و خط تولید	سوئد
آلومینیوم سازی	۲۰ هزار تن شمش آلومینیوم	از طریق ترکیه

فدرال و اتریش استفاده کرده و برای ساخت لکوموتیو با ایتالیا مذاکراتی انجام یافته است . از مواهب سیاست " نه شرقی ، نه غربی " روابط اقتصادی با کشورهای امپریالیستی به سرعت گسترش می یابد و روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی که در آن از خروج بی رویه ارز و پورسانت و رشوه برای سرمایه داران و مدیران دولتی خبری نیست به بهای کاهش تولید به نازلترین سطح ممکن می رسد .

بازگشت سرمایه داران فراری و تشدید فعالیت مدیران غربگرا

پس از پیروزی انقلاب بهمن ، بسیاری از صاحبان صنایع که احساس می کردند در آینده نخواهند توانست به غارتگری خود ادامه دهند ، بقیه در صفحه ۵

در این توسعه روابط اقتصادی صرفاً افزایش تولید مد نظر سیاستگزاران جمهوری اسلامی نیست ، بلکه در آن جهت گیری سیاسی عربانی برای جلب اعتماد امپریالیسم وجود دارد . روابط اقتصادی چ ۱۰ با امپریالیستها در حالی توسعه می یابد که میزان واردات افسوسناک و ادوات صنعتی از کشورهاییکه روابط اقتصادی بر مبنای مناسبات برابرحقوق با ایران داشتند ، به شکلی فاحش کاهش یافته است . صنایعی که به کمک کشورهای سوسیالیستی در ایران ایجاد شده اند ، در جهت بهره برداری بوسیله قطعات وارد شده از غرب راه یابی می گردند . در ماشین سازی اراک که به کمک اتحاد شوروی ساخته شده است ، با شرکت جونز جهت خرید جرثقیل ، کمپانی جان تامسون برای دیگ بخار ، با ژاپن برای وارد کردن ۲۰۰ دستگاه جرثقیل ، با

استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی

افزایش تولید . . .

باقی از صفحه ۴

با فروشنده و ادویه و کالاهای ساخته شده، کلیه منابع مالی خود را به خارج منتقل کردند، عده ای نیز فرار کردند و سرمایه داران یادیرانی که در ایران ماندند برای فلج کردن اقتصاد ملی و تشدید نا رضایی در تلاش بودند تا در راه را به تعطیلی کشانده و یاد تولید آنها را بوجود آورند. کارگران قهرمان و آگاه میهن ما با یثار و دلاوری در مقابل این توطئه ها جانانه ایستادند و افزایش تولید را در خدمت تحکیم دستاوردهای انقلاب دانسته و در این راه از هیچ کوشش و تلاشی دریغ ننمودند.

اکنون که حاکمیت از اهداف انقلاب روی برتافته و سیاست دفاع از منافع کلان سرمایه داران را در پیش گرفته است، سرمایه داران فراری بسیاری تصرف اموالی که از دسترنج کارگران غسارت کرده اند، برمی گردند.

ج ۱۰ اشکال حقوقی و قانونی حمایت از منافع کارگران را فراهم نموده و " اموال شرعی آنان " را بنام آنها قبالة می کند. عبد الهی، که بنیاد مستضعفان کارخانه صنایع چوبی ایسران را به او پس داده، مدتی که ج ۱۰ یک طبقه از ساختمان مرکزی کارخانه حریر را به او مسترد کرده و رضا شفاهی مدیرعامل سابق دارو پخش که پس از انقلاب با زدیهای فراوان فرار کرده بود و اکنون برگشته است، نمونه های " هموطنانی هستند که بدندای رهبران ج ۱۰ لبیک گفته و برای چپاول عمره کارگران زحمتکش ایران بزرگ کارخانه ها و کارگاههای عصبی خود بازگشته اند. کلان سرمایه داران و مدیران دولتی اکنون نه تنها مانند گذشته چوب بالای چرخ تولید نمی گذارند بلکه با بهره گیری از نظام بانکی که ج ۱۰ در اختیار آنان می گذارد چهار اسبه به سوی افزایش تولید می تازند. در شرایط امروز شعار افزایش تولید که مفهوم آن تشدید بهره کشی از کارگران است به شعبان سرمایه داران تبدیل شده است و عمره آن غارتگری روز افزون کلان سرمایه داران و تشدید وابستگی و تحکیم نفوذ کشور های امپریالیستی و شرکت های چند ملیتی در ایران است.

اعمال فشار و سرکوب کارگران

وزیر صنایع در همان مصاحبه اضافی کرده است: " قسمت اعظم این افزایش تولید را مرمون جان بازی های کارگران مسلمان کشورمان در جبهه های کارخانجات می باخیم " (کیهان ۱۵ فروردین) و وزیر صنایع ناخواسته به قیودات پادگانی و " انضباط " جبهه ای حاکم بر کارخانه ها را بیان می کند.

حکام جمهوری اسلامی برای تأمین افزایش تولید یعنی پرکردن کیسه سرمایه داران با اعمال فشار و سرکوب از کارگران " جان بازی " طلب می کنند و با حمایت از قیودات و مقرراتی که کارفرمایان سرمایه دار و مدیران دولتی ضد کارگر

جشن آغاز چهاردهمین سال حیات انقلابی سازمان در فیلیپین

فیلیپین سخنرانی کرد و گفت: " به نام کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین سیزدهمین سال تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را تبریک میگویم و به همه اعضا و هواداران آن درود میفرستم "

رفیق رومئو دزون ضمن تحسین نقش سازمان در بسیج توده ها برای دستیابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به رهبری سازمان درود فرستاد.

رفیق دزون ضمن ابراز همبستگی حزب کمونیست فیلیپین با زندانیان سیاسی در ایران سخنان خود را با شعار " زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) " پایان داد.

رفقای سازمان و حزب چند سرود انقلابی در خلال برنامه های این جشن اجرا کردند.

جشن آغاز چهاردهمین سال زندگی انقلابی و بالنده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) روز ۳۰ بهمن (۱۹ فوریه) در شهر مانیل پایتخت فیلیپین برگزار شد.

سه نفر از رفقای عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین با شرکت در این جشن با سازمان پرافتخار ما اعلام همبستگی نمودند.

در این جشن پس از قرائت اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان درباره اقدامات توطئه گرانه و سرکوبگرانه حکومت، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) خوانده شد. سپس رفیق رومئو دزون عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست

که گاه با عنوانهای ظاهراً قانونی " آئین نامه های انضباطی کارگاه " در واحدهای تولیدی پیاده می شود. کارگران را در زندانی به وسعت کارخانه ها زندانی کرده اند.

رویدادها و اخبار موجود حاکی از بیدادگری و ستمهای ضد انسانی است که در کارخانه ها اعمال می شود و خشم هر انسان شرافتمندی را برمی انگیزد.

در کارخانه ای - دی - آی تمام کارگران را به دلیل عدم افزایش تولید مورد توبیخ همگانی قرار داده اند. مدیریت کارخانه تلویزیون سازی شهاب اعلام کرده است، در روزهای هر روز غیبت ۱۰ روز از حقوق ماهانه کارگران کم می شود. در کارخانه ای هر کارگر فقط یکبار بین صبحانه و ناهار حق رفتن به توالت را دارد و برای بیشتر از آن باید مرخصی بگیرد. در استار لایت، بحالت اشتباه شعر نچند چو را به داخل کارتن گذاشته می شوند، حدود ۱۰ نفر از کارگران ۰۰۰۰۰۰ اریال جریمه شده اند.

حکام جمهوری اسلامی برای پیش بردن چنین سیاستهای ضد کارگری و ضد انسانی می خواهند حکومت گورستانی در کارخانه ها حفر نمایند. محدودیت با تشکل های کارگری مستقل روی دیگر سکه دفاع از غارتگرهای سرمایه داری است، این سیاست ج ۱۰ با مباحثات به افزایش تولیدی استوار می گردد که در راستای منافع سرمایه داران بزرگ ایسران و انحصارات بین المللی است.

صنایع ایران از نظرمایشین آلات و مواد اولیه و همچنین دانش فنی را با ناداری واحدهای تولیدی آنچنان نیازمند و وابسته به کشورهای

امپریالیستی است که هرگونه توسعه فعالیت کارخانه ها به روال فعلی موجب نابودی بیشتر اقتصاد ملی و افزایش زنجیرهای وابستگی در تار و عنکبوت های شرکت های چند ملیتی است.

ایجاد و حفظ اقتصاد ملی بهره برداری هرچه بیشتر از امکانات داخلی، مخصوصاً در زمینه بهره برداری صنعتی از مواد خام و نیروی انسانی و همچنین نوسازی روابط بازرگانی خارجی و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی - که بر منبای مناسبات برابر حقوق است - پیوند می یابند.

تجربه تمام انقلابهای دموکراتیک پیروز و ناموفق نشان می دهد، کسانی که نمی خواهند بازرگانی خارجی و روابط اقتصادی کشور را بر اساس نیاز های اقتصاد ملی برنامه ریزی و سازماندهی کنند، ارمغانی جز رشد ناموزون اقتصاد و باطلبح بحران، رکود، تورم و بیکاری برای مردم کشور نخواهند داشت.

رهبران جمهوری اسلامی نه تنها هیچگونه تلاشی برای تأمین استقلال اقتصادی کشور نمی کنند، بلکه مجاهدت های فراوانی طی سالهای گذشته برای تشدید وابستگی و تحکیم نفوذ انحصارات داشته اند. آنها هرگز دست بسته اند تا مشکلات جامعه را بر اساس افزایش تولید صنایع وابسته حل کنند و تتمه استقلال سیاسی و دستاورد مردم ندارند، اینها کسرو انقلابی را برپا دادند. کارگران زحمتکش چنین جهت گیری ضد انقلابی را نمی پذیرند و با یکبار بردن تمامی اشکال مبارزه توده ای در مقابل این سیاست خائنان برانداز ایستادگی می کنند.

مبارزات مطالباتی کارگران بر محور شعار افزایش دستمزداوج میگیرد



نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) میگوید: "زمان زیاده‌اندی نخواهد کشید که کارگران با عمل خود به حکومت بفهمانند که در ارزیابی قدرت کارگران مطلقاً خطا کرده است." (مسائل انقلاب و مواضع ما شماره ۲)

اکنون که حکومت کمره دفاع از کلان سرمایه‌داران کسر بسته است، و نه تنها در راه حمایت از محرومین جامعه گامی بر نمی‌دارد بلکه اشکال حقوقی و قانونی برای غارتگران و تحمیل شرایط سرمایه‌داران به کارگران را فراهم کرده و می‌کند. کارگران با شکل و سازماندهی - این تنها سلاح زحمتکشان - علیه غارتگران و حامیان آنها، با بکارگیری تمامی اشکال مبارزه توده‌ای، اعتصاب، تحصن و ... مبارزه میکنند.

طبقه کارگر در مقابل شعار افزایش تولید سرمایه‌داران که بمعنای تشدید بهره‌کشی و افزایش اختناق و سرکوب کارگران است، با طرح شعار افزایش دستمزدهای کامهای سترگی را برای تحقق خواسته‌های خود پیرامین دارد.

آینده‌ای نه چندان دور نشان خواهد داد که طبقه کارگر ایران با انسجام هرچه بیشتر تشکلهای مستقل و مبارزه متحد و سازمان یافته خود، خواهد توانست کامهای مهمی را در راه بهروزی و استقلال مردم و رهایی میهنان از غارتگری، فقر و محرومیت، بیکاری و بیسوادی و برقراری آزادی زحمتکشان بردارد. کارگران مسیر رشد و بیوایی خود را می‌یابند و ستلاخ‌های رژیم، سرکوب، اختناق و کشتار حکومت جنگ طلب قادر نیست این سیل خروشان را که از مسیر و مسیر تشکلهای منفی و سیاسی طبقه کارگر میگذرد سد کند. سیل خروشان که بر بستر مبارزات فدائیان استیلا و دمکراتیک بوده‌ها قناری است نعمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در اختیار همه مردم زحمتکش ایران قرار دهد.

در شرایطی میباشد که مزد روزانه کارگران طی سالهای گذشته بین ۴۰ تا ۱۰۰ ریال و در سال جاری فقط ۶۰ ریال اضافه شده است و رژیم پیشروانه میگوید: "ما قصد نداریم که دستمزدها را افزایش دهیم. سیاست ما بر اساس ثابت نگه داشتن قدرت خرید کارگران است." (کمال گنجهای کیهان ۱۳ دی ۶۲)

کارگران بخوبی دریافته‌اند، حکومت به "قدرت خرید" آنها نمی‌اندیشد. آنها طی زندگی روزمره خود میبینند که سرمایه‌دار برای افزایش تولید شیره جان آنها را در کارخانه میگیرد ولی حتی حقوقی که حداقل معاش و سد جوع آنها را کفاف دهد، پرداخت نمیکند. بر همین اساس کارگران برای ادامه زندگی خود خواهان افزایش دستمزدها هستند.

جنبش مطالباتی کارگران بر محور افزایش دستمزدها بسط و گسترش مییابد. وزن و تأثیر آن به هنگام بازدید از کارخانجات قزوین تأیید کرد که خواست افزایش دستمزدها از سوی کارگران مطرح بوده و در برخی کارخانجات کارگران موفق شده‌اند این خواست خود را به کارفرمایان تبدیل کنند. کارگران کارخانجات دیگر نیز در پی تحقق این خواست خود هستند و در این رابطه درگیریهایی نیز رخ داده است. (کیهان ۸ دی ۶۲)

"در کارخانه‌های ساکا، کارتن، اسکوپ و پارس خودرو، داروپخش، ایران لنت و ری - او - واک مسئله افزایش سطح دستمزدها بصورت اعتراض به ندادن رتبه‌ها تجلی یافت و با موفقیت انجام گرفت. کارگران جدیداً استخدام شده کارخانه‌ها زیاد نسبت به عدم پرداخت پاداش به آنان اعتراض کرده و موفق به دریافت آن شدند." (اکثریت شماره ۱)

درخواست افزایش دستمزدها که باخواست های دیگر کارگران از جمله اجرای طرح طبقه بندی، رسیدگی به وضع غذا، وسایل رفت و آمد گره میخورد بهمراه مسئله اخراج، دو موضوع حاد و برجسته، در مبارزه روزمره کارگران طوسی سال گذشته بوده است. کارگران قهرمانان میهن ما همچنین برای تدوین قانون کار مترقی و تضمین حق تشکلهای مستقل و آزاد، مبارزه جانانه‌ای را در تمام واحدهای تولیدی - به پیش بردند. این مبارزات کارگران علیه چپاول بی بند و بار، زورگویی، قانون شکنی و فشارهای سرمایه‌داران و حکومت با تجربه مستقیم خود آنها برای سازمان یابی و تشکلهای در هم آمیخته و در سراسر کشور قدرت پایان ناپذیر طبقه کارگر را بنمایش میگذارد. رفیق فسرخ

بقیه از صفحه اول

است، کارگران برای دفاع از حق حیات خود و رودر رویی با سیاستهای خانمان برانداز رژیم ۱۰۰ بر محور شعار افزایش دستمزدها، گسرد آمده، بسیج و متشکل شده و صدای اعتراض خود را رساتر می‌رسانند.

هیات حاکمه در مقابل این حرکت - حرکت طلبانه کارگران گاه به احتجاجاتی من در آوردی دست میزند که باید از شعار "اعتراضات" شمرده که ابداع آن به یک قرن پیش بر میگردد و امروز حتی در جوامع سرمایه‌داری از سگساده افتاده است.

"چون افزایش دستمزدها تورم می‌آورد و در بالا بردن قدرت خرید مردم موثر و تحمیل به افراد مستضعف (۱) است بدین جهت در شورای عالی کار با افزایش دستمزدها مخالفت میشود." (کمال گنجهای کیهان ۱۳ دی ۶۲)

در جامعه سرمایه‌داری آنچه که ثابت نمینماید، نرخ تورم است. رقم سرسام آور تورم را حتی از آمار رسمی و مصاحبه‌های کارگزاران حکومت و مطبوعات زیر سانسور دریافت.

"میزان افزایش قیمتها نسبت به سال گذشته از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد و در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد بوده است." (روزنامه اطلاعات ۲۷ دی ماه ۵۹)

"اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی اعلام نمود که شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در آذرماه سال ۱۳۶۲/۸/۱۵ درصد و در نه ماه اول سال، ۱۹/۱ درصد نسبت به دوره مشابه قبل افزایش یافته است." (تغییر از کار، ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شماره ۲ دوره دوم)

"کالاها ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد و حتی در بعضی موارد ۴۰۰ یا ۵۰۰ درصد اضافه قیمت داشته‌اند." (اطلاعات ۱۱ اسفند ۶۲)

گرانی روز افزون و سرسام آور، زندگی را بر کارگران زحمتکش طاقت فرسا کرده است. قیمتها همچنان رو به بالا میرود. مسئله مسکن با تمام وعده و وعیدها لاینحل مانده و کرایه خانه بیش از نیمی از درآمد کارگران را میبلعد. بیمه‌های اجتماعی (آنها که بیمه هستند) دردی از زحمتکشان را دوام نمیکند. فرزندان زحمتکشان از آموزشگاه، کودکستان و شیرخوارگاه محرومند. علاوه بر این هر نهاد و ارگان حکومتی کیسه‌ای برای غارت دسترنج اندک و ناچیز زحمتکشان دوخته است. یکی برای جنگ سرکیسه میکند، دیگری هدیه به "کمیته امداد" میطلبد، سومی برای توسازی مناطق جنگزده، آند دیگری هم "سهم" میخواهد و همه اینها



خاطره اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت ۶۰، بزرگترین میتینگ تاریخ سازمان دریادها جاودانه میماند

در آن روز که میدان آزادی با خنوسون فدائیان راه استقلال و آزادی رنگین شد، فدائیان خلق باردیگر قلوب بسایک زحمتکشان را تسخیر کردند.

امروز میدان آزادی در تصرف ششلاق بدستان است، اما کارگران و زحمتکشان رنج دیده میهن ما در روزهای نه چندان دور خواهند توانست به میدان آزادی بیایند.

آن روز تعطیل رسمی خواهد بود. آنها از خانه های مسکونی جاده تهران - کرج، از میدان شوش، تازی آباد، دروازه قزاق، اتابک، شهباز، زاله خواهند آمد. حتی از راههای دور خواهند آمد، از احمد آباد - نده ابادان، از شهرک ذوب آهن اصفهان، از امیر خیر تپه، کردمجاه رشت ۱۰۰۰ از پشت بازار خرم آباد خواهند آمد.

برنجکاران مازندران، چایی کساران لاهیجان، گندم کاران تبریز و همدان، صیفی کاران اصفهان خواهند آمد. کارمند و دانشجو دکاندار سرک و چه هایمان خواهند آمد. خواهند آمد، تا در میدان آزادی دوباره سرود رهایی زحمتکشان جهان و ناقوس مرگ استغکاران را با هم بخوانند:

تنها ما توده جهانیم
اردوی بی شمار کار
داریم حقوق جهانیانی
نه که خونخواران غدار
غرد وقتی رصد مرگ آسنا
برد زخیمان و رهزنان
در این عالم بر ما سراسر
تا بد خورشید نور افشان

"روز قلمی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها"

در ساعت چهار بعد از ظهر بیش از صد هزار تن در ضلع شمالی میدان آزادی گرد آمده بودند و این در حالی بود که سیل جمعیت همچنان بسوی میتینگ روان بود. ۱۰۰۰ این میتینگ به تصدیق همه گزارشگران ما و با تکیه بر ارزیابی همسای متحد، بیش از آخرین میتینگ سازمان ماکه در آن زمان بزرگترین اجتماع تاریخ سازمان ارزیابی شده بود، مورد استقبال مردم قرار گرفت.

اما از آنجا که برگزاری جشن اول ماه مه مانند همیشه مورد غضب سرمایه داران و امپریالیسم است، میتینگ عظیم سازمان ما از ستبرد خفاشان شبکه یاری دیدن روشنائی و خورشید راندارند، در امان نماند. باندهای سیاه وابسته به نیروهای طرفدار غارتگری کسبان سرمایه داران و بزرگ مالکان با شکارهایی چون "حزب فقط حزب الله" به اجتماع پر شکوه سازمان ما هجوم آوردند و داغ تنگ جنایتی دیگر را بر پیشانی خود کوبیدند. در آن روز که میترا



صانعی نوکل سرخ فدایی بدست عوام مسل
امپریالیسم و قشربون تنگ نظر و مرتجع پرور گشت.

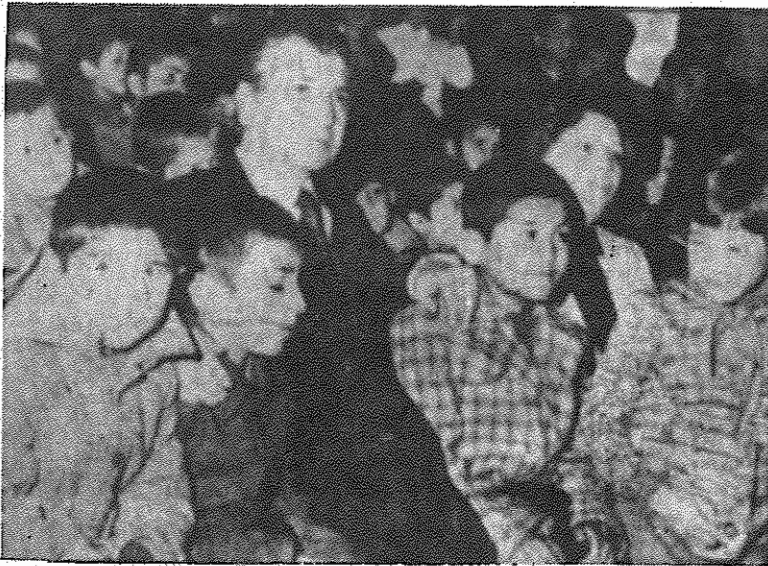
کارگران و زحمتکشان خاطره آن روز را از یاد نخواهند برد. آن روز، رودما از سلسله کوههایی که طبقا رگر در قله آن با قامتی استوار ایستاده است بهم پیوستند. شط در شد در هم گره خوردند و به دریایی به وسعت همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان پیوستند. آن روز، روز جشن همبستگی جهانی کارگران، عید بزرگ

زحمتکشان، روز اول ماه مه، روز ۱۱ اردیبهشت ۶۰ بود. کارگران و زحمتکشان، روشنفکران انقلابی، مادران، پدران، نوجوانان و جوانان، کودکان، نوپا و گان در آغوش مادران یا بر سر شانه های پدران آمدند. آنها با عزمی راسخ به میدان آمدند، تا قدرت بنیاد برکن خود را در مبارزه با امپریالیسم و نظام پوسیده سرمایه داری به نمایش بگذارند. آن روز، میدان آزادی اقیانوس مشت های گره کرده، بازوان بهم پیچیده، طنین پر تپش و سوزنده فریادها و آوای دلپذیر سرود کارگران جهان بود که به فشارهای شکافت و بر قلبهای نشست:

برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
شوریده خاطر ما را بسرده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز کردند
روز قلمی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها

گزارش آن روز به یادماندنی را از زبان گویای کارگران سراسری سازمان پرافتخار ما شنویم. استقبال مردم از این میتینگ را اگر بخوایم در یک جمله بگوییم، شکفت انگیز بود.

درخشش انقلاب ثور بر تاریکی ها غلبه میکند



هفتم ثور (اردیبهشت) در تاریخ خلق برادر افغانستان یادآور روزی است که در آن ، سربازان و افسران میهن پرست با پشتیبانی اکثریت مردم این کشور تحت رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان رژیم منکی برفتو دالیم راسرنگون کرد هو قدرت را به دست گرفتند . در این روز ، خلق افغانستان سرنوشت خویش را خود بدست گرفت و در راه استقلال و آزادی گام نهاد . اکنون که شش سال از آن روز تاریخی گذشته است ، درخشش انقلاب ثور بیش از پیش بر تاریکیها ، بر عقب ماندگی ، بر اسارت ملی و طبقاتی غلبه کرده و اشعه حیات بخش آن عرصه های گوناگون زندگی زحمتکشان افغانستان را درمی نوردد .

در ششمین سالگرد انقلاب پیروزمند ثور ، نظری داریم بسسه دستاوردها و روند این تحول عمیق در حیات خلق برادر افغانستان .

افغانستان پیش از انقلاب : در اسارت فتودالیم

بر افغانستان تا سال ۱۳۵۷ مثنی اشرف فتودال و سزان طوایف حکمروایی می کردند . در سال ۱۹۷۷ افغانستان با درآمد سرانه ای معادل ۱۰۰ دلار جز ۲۰ کشور عقب مانده دنیا به شمار می رفت . از جمعیت ۱۶ میلیونی این کشور ۸۵ درصد در بخش کشاورزی فعالیت داشتند . جهل درصد مردم افغانستان در سالهای دهه هفتاد در حداقل سطح زندگی و یا فقر مطلق بسر می بردند . میانگین سن بسیار پائین (۳۹/۹) بسر می بردن (۴۰/۷ برای زنان) بود . برای یک جمعیت ۱۶ میلیونی تنها ۱۰۰۰ پزشک وجود داشت . نود درصد مردم بی سواد بودند . زنان و دختران خرید و فروشی شدند .

حکام فتودال کشور را با ایجاد یک بازار ملی و نتیجتاً فراهم آمدن زمینه پیدایش ملت واحد جلوگیری می کردند . هنوز هم در افغانستان قبایل و طوایف متعددی وجود دارد که به بطور منفرد و جدا از سایر مناطق کشور زندگی می کنند . سرمایه داری ملی در آستانه انقلاب ثور عمدتاً در سرمایه داری تجاری خلاصه می شد . ۲۰ الی ۳ میلیون نفر از مردم را قبایل کوچ نشین تشکیل می دادند . بسیاری از شهر وندان افغانستان در جستجوی کار از این کشور مهاجرت می نمودند . تنها در ایران ، قبل از انقلاب ثور ، یک میلیون کارگر افغانستانی زندگی می کردند .

در عرصه سیاست خارجی نیز رژیم داود از ۱۳۵۳ به بعد بطور روزافزون به امپریالیستها و ایادی آنها روی آورد ، که نزدیکی به رژیم شاه در ایران و تیره شدن مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی نمونه های آن بود .

چنین شرایطی ناراضی اکثریت مردم

افغانستان را دامن می زد . اعتراضات توده ای زحمتکشان گسترش می یافت . رژیم داود به سر به کمرکوب متوسل گردید .

انفجار خشم مردم

در آستانه انقلاب ثور نقش حزب دمکراتیک خلق افغانستان هر روز بیشتر می شد . مردم در این حزب ، پیشاهنگ انقلابی خود را می دیدند که مجهز به برنامه ای مترقی برای غلبه بر عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی و ساختن جامعه نو بود . رژیم داود در این حسنیب ، بزرگترین دشمن خود را می دید ، و از این رو با کمک " سیا " زمینه اجرای توطئه نابودی فیزیکی رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان را فراهم ساخت .

اجرای این توطئه در روز ۲۸ فروردین ۱۳۵۷ با قتل میراکبر خیبر ، عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و ناشهر هفته نامه " پرچم " آغاز گردید . این جنایت خشم مردم را برانگیخت . در تشییع جنازه شهید میراکبر خیبر ۶۰ هزار نفر شرکت جستند و این مراسم تحت رهبری کمیته مرکزی ح د خ ۱۰ به یک راه پیمایی اعتراضی بسوی سفارت آمریکا تبدیل شد . رژیم متعابلاً صدها تظاهرکننده و افسر ترقیخواه را دستگیر کرد . در روز ۶ اردیبهشت ، برخی رهبران حزب ، از جمله نورمحمد ترکی و ببرک کارمل بازداشت شدند . حزب در معرض یک آزمایش بزرگ ، قرار گرفت : آیا بایست فوراً دستبکار شد و یا با به خطر افتادن جان رهبران حزب ، مبارزات مردم نیز در خطر می افتاد . حزب دمکراتیک خلق در آن مقطع حساس از آزمایش تاریخی سر بلند بیرون آمده و بلوغ سیاسی و انضباط تشکیلاتی خود را به

اثبات رساند .

تحت رهبری حزب ، سربازان و افسران میهن پرست در روز ۷ اردیبهشت مسلحانه تجمیع کرده و پس از یک نبرد ۱۲ ساعته ، مقام و مت رژیم ضد خلقی را درهم شکستند . رهبران حزب از زندان آزاد شدند . مراکز قدرت به تصرف انقلابیون درآمد . این عملیات که از سازماندهی سطح بالایی برخوردار بود ، مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت . مردم بسسه افسران و سربازان پیروزمند گل می دادند . سالها مبارزه شمر داده بود . قدرت سیاسی از گروه کوچک فتودال ها ، مامورین عالی رتبه دولتی و نیروهای بورژوازی به دست نیروهای انقلابی و دمکراتیک که بیانگر خواسته های توده های وسیع زحمتکشان بودند ، افتاد .

پیروزی انقلاب ثور بدون حمایت وسیع ترین اقشار خلق و تدارک طولانی از سوی حزب دمکراتیک خلق افغانستان امکان پذیر نبود . در مقطع پیروزی انقلاب حزب ۱۸ هزار عضو داشت . کار توده ای ۱۳ ساله حزب آنرا از نفوذ زیادی در میان کارگران ، روشنفکران ، کارمندان و دانشجویان برخوردار کرده بود . بخصوص باید از فعالیت حزب در میان نیروهای مسلح نام برد .

برنامه و دستاوردهای انقلاب

در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ برنامه ۳۰ ماده ای انقلاب زیر عنوان " خطوط اساسی و وظایف انقلابی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان " اعلام گردید . این برنامه پاسخگوی نیازهای مرحله ملی - دمکراتیک انقلاب بوده و موارد اصلی آن عبارت بود از : " حفظ

نامه های
خوانندگانافزایش قیمت کالاها و خدمات
برای تامین مخارج جنگ

رفقای عزیز "سهند" از اسپانیاییان و "مزدک" از هندوستان و استان واشعبار زیبایان رسید. ما آنها را برای نشریه "دفتراهای ادبیات و هنر" فرستادیم. شعرا دعوت، بیسه همکاری جدی با نشریه مزبور می کنیم. برای ما نیز مطالبتان را بفرستید.

اینک قسمتی از شعر "آئینه بهروزی" از رفیق "سهند" که بمناسبت انتشار مجدداً ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) سروده است:

شبانگهان تویی آتش
که گرمی می دهد بر کلیه سرسپاه زحمت و حرمان
تویی مشعل

تویی پسر چم
تویی رسو اگر افسون و وافیون رباکاران
تویی، مشت هزاران
پایدار و ماندگار تویی
ای آئینه بهروزی انسان

ویکی از دو بیتت های رفیق "مزدک":
دشمن تو میاندیش شکستی قدسروم
بیهوده لهدی اگرم قامت دردم
گویم بتو ای خصم ز تو قد بفرارم
چون لاله خونین ز نورخ بفرورم
رفیق م. از انگلستان طرح، ترجمه و
رویدادهای هفته ارسالی شمارسید.
فرانکفورت، رفقای عزیز ترجمهها و طرحها،
شمارسید.

(بودجه)

نتیجه این میشود که هم بهای خدمات و کالاها افزایش مییابد، هم از اعتبارات عمرانی کم میکنند، هم کسر بودجه و در نتیجه تورم باقی میماند و صعود هم مینماید، و مابه التفاوت همه اینها به کام جنگ میرود.

این است ماهیت واقعی سیاست مالی "منتضعف گرایانه" و بودجه "ضدتورمی" که به تصویب رسانده اند. سران حکومت در مواجهه با مردم که نسبت به این اخذیها معترضند میگویند مردم باید "خرج خودشان را خودشان بدهند" (رفسنجانی، کیهان ۲۱ شهریور ۶۲) تا بدینوسیله خالی کردن جیب مردم و غارت دسترنج زحمتکش بسود تامین مخارج جنگ را بخوبی توجیه کنند. اما آنها نخواهند توانست با این دروغها مردم را بفریبند. مردم میبینند در حالیکه هر روز بابت حواش اولیه زندگی خود بیشتر غارت میشوند، منابع ارزی کشور و بودجه دولتی تماماً در خدمت جنگی است که فقط بسود دشمنان آنهاست.

حال ببینیم علت این افزایش قیمت های پی در پی چیست؟ بانکی رئیس سازمان برنامه بودجه مدعی است مبلغی که از طریق افزایش مالیات بر مصرف، حذف سوسید برخی از کالاها و نیز افزایش بهای خدمات دولتی بسود خزانه دولت صرفه جویی شده و یا به آن اریز میگردد، صرف اعتبارات و هزینه های عمرانی خواهد شد: "در مورد مالیاتی هم که برایش در نظر گرفته اند مشخصاً گفته اند که صرف اعتبارات عمرانی و هزینه تاسیسات عمرانی مملکت مثل طرح نفت، گاز، کشاورزی و آب بشود." (اطلاعات ۷ فروردین)

اما واقعیت اینست که آقای بانکی دروغ میگوید. اعتبارات عمرانی نه تنها بیشتر نشده، بلکه کاهش هم یافته است. به مصداق "در زنگوم حافظه است"، خود آقای سرپرست سازمان برنامه و بودجه دروغ خود را در همان مصاحبه برملا کرده است. وی میگوید:
"اعتبارات عمرانی مملکت در سال ۶۲ به مقدار ۱۳۰۹ میلیارد ریال بوده است که در سال ۶۳ به مقدار ۱۱۸۶/۴ میلیارد ریال تعدیل شده است."
(همانجا) البته وی از لفظ "تعدیل" استفاده میکند تا سیاست مالی ضد مردمی رژیم را در زورق تحویل مردم بدهد. سه ماه پیش نیز خاجنه ای رئیس جمهور "مژده" کاهش اعتبارات عمرانی را داده بود:

"وزیر راه ملاً خوب ممکن است صد تا پروژه راهسازی در مملکت برای سال ۶۳ گذاشته است، اینها پول لازم دارد، یک بودجه ای تنظیم میکند، فلان قدر میلیارد ملاً به من بدهید برای اینکار، اگر بخوایم کسر بودجه نباشد باید از سهم ایشان یک مقداری بزنیم. ۳۰ درصد ملاً از سهم ایشان بزنیم. همه این پروژه ها خواهد ماند. همه آنها، بخش زیادیش میماند." (جمع روحانیون شیراز - دیماه ۶۲)

دایره شعبده بازیهای فوق الذکر را میتوان بدینگونه ترسیم کرد: اولاً چون میخواهیم اعتبارات عمرانی را زیاد کنیم باید قیمت کالاها و خدمات را بالا ببریم. ثانیاً چون کسر بودجه داریم باید از اعتبارات عمرانی کم کنیم. ثالثاً (البته این را دیگر سران حکومت نمیگویند) بسا تمام این احوال، و علیرغم دشیدن روز افزون مردم بسود جنگ، باز هم کسر بودجه ۳۶۰ میلیاردی داریم! (رجوع کنید به مصاحبه مطبوعاتی یاد شده سرپرست سازمان برنامه

جنگ خانانوسوز ایران و عراق تنها از طریق عواقب فاجعه بار مستقیم آن (مرگ و ویرانی) بر دوش مردم زحمتکش میهنمان سنگینی نمیکند. عرفیت جنگ با بلعیدن بیش از یک سوم بودجه دولتی و "کمک" های اجباری که توسط عوامل رژیم از مردم اخذی میشود از خون زحمتکشان ارتزاق میکند. همچنین شرایط جنگی و کمبود کالاها، به تجارتگر امکان میدهد تا با بورس بازی روی کالاها ی مورد نیاز مردم، باقیمانده دسترنج آنها را به جیب بزنند و خود فر به و فر به تر شوند.

اما تنها نرخ کالاها و خدماتی که در "بازار آزاد" عرضه میشود با آهنگ سرسام آور صعود نمیکند. حتی قیمت کالاها و خدمات دولتی هم افزایش مییابد. اوایل فروردین ماه اعلام شد:

"در سال گذشته برای هر کیلو گوشت مرغ ۲۵ ریال و برای هر کیلو تخم مرغ ۱۸ ریال از طرف دولت سوسید پرداخت میگردد که بنابر تصویب شورای اقتصاد از آغاز امسال این سوسید حذف گردیده است و در نتیجه گوشت مرغ از امسال کیلویی ۲۶۰ ریال و تخم مرغ کیلویی ۱۶۳ ریال بسه مصرف کنندگان تحویل داده خواهد شد."
(مدیر عامل سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان، "اطلاعات ۷ فروردین")
وی همچنین افزود: "نرخ نوشابه از تاریخ ۶۳/۱/۵ در سراسر کشور برای عاملین فروش هر بطری ۱۷/۵ ریال و برای مصرف کنندگان هر بطری ۲۰ ریال خواهد بود. (همانجا). علاوه بر این، برای سیگار نیز مالیاتی در نظر گرفتند که قیمت آنها افزایش داد. بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه علت وضع این مالیات را چنین توضیح داد:
"مالیاتی است بر یک جنسی که مورد استفاده قشری از مردم میباشد نه همه و جز کالاها ی اساسی هم نیست." (مصاحبه مطبوعاتی ۶ فروردین - اطلاعات ۷ فروردین)

در مورد خدمات نیز، بهای آندسته از خدمات که دولت و سازمانهای وابسته بسه آن ارائه میکنند، هر از چند گاه افزایش مینماید. وزیر پست و تلگراف و تلفن در خرم آباد اعلام کرد: " (نرخ تلفن) برای مشترکینی که از این به بعد تلفن دریافت میکنند مقداری بیشتر میشود. یعنی اگر قبلاً حدود ۷ هزار تومان پرداخت میکردند اکنون به حدود ۱۵ هزار تومان افزایش مییابد." (کیهان ۱۴ فروردین)

بمناسبت درگذشت رفیق رضا رادمنش

رفیق رضا راد منشد بی‌اول اسبق کمیته مرکزی حزب توده ایران و از بنیانگذاران حزب و یکی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی و کارگری ایران، روز دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ درگذشت.

رفیق راد منشد که در سال ۱۲۸۴ دیده به جهان گشود از آغاز جوانی به جنبش کارگری و کمونیستی ایران پیوست، دردوران حکومت رضا شاه به جرم فعالیت انقلابی ۵ سال را در زندان گذراند، در سال ۱۳۲۳ در کنگره اول حزب توده ایران به عضویت کمیته مرکزی و در سال ۱۳۲۶ به دبیر اولی کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب گردید و تا سال ۱۳۴۹ در این مسئولیت انجام وظیفه نمود.

رفیق راد منشد در تمام این دوره دشوار و پر مسئولیت، با وفاداری کامل به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروлетری، برای پاکیزگی ایدئولوژیک حزب و در راه وحدت صفوف کمونیستهای ایران و جهان مبارزه کرد، او این افتخار را داشت که در نبرد انقلابی حزب توده ایران علیه سکتاریسم و تفرقه گرایسی مائوئیستی در یک شرایط بسیار حساس سهم ارزنده ای داشته است.

رفیق راد منشد، نه تنها یک کمونیست، بلکه یک دانشمند برجسته نیز بود. وی در کنار فعالیت‌های انقلابی کار علمی سنگینی را هم پیش می‌برد.

درگذشت رفیق راد منشد برای همه کسانی که به میهن و مردم خود عشق می‌ورزند و در راه سعادت آنان مبارزه می‌کنند، مایه اندوه بسیار است. کسانی چون او در طول عمر پر فراز و نشیب خود در راه میهن و مردم، رنج‌های بسیار کشیدند و دردهای آنان، نمادی از دردهای ملت ما و زحمتکشان ماست، آرزوی آنان، نمودار والاترین آرزوهای مردم ماست.

با اندوه فراوان از درگذشت رفیق رضا راد منشد، خاطره وی را گرامی می‌داریم.

روزنامه حزب حاکم در توجیه سیاستی که این حزب در اتحاد با بازار در جهت حذف کاندیداهایی که بعضاً حتی توسط همین حزب درد و ره اول کاندید شده بودند، نوشت: "چهره‌های برجسته و شناخته در میان کاندیداهای بسیارند. ولی مردم در انتخاب چهره‌ها نیز بایستی دقیق عمل کنند. برخی نمایندگانی که دوره‌اند و تحت هیچ شرایطی بلحاظ عملکرد خود و ضعف خصلتی شان قادر نیستند به دوره دیگری راه یابند." (روزنامه ج ۱۰، ۲۱ فروردین)

برای مثلاً کردنستان کاندید معین بکنند." (همانجا)

نتیجه آن شده دفتر تبلیغات اسلامی نتوانست کاندیدا معرفی کند، جامعه مدرسین تنها برای قم، جامعه روحانیت مبارز تنها برای تهران نامزد معرفی نمودند، اما در عوض حزب جمهوری اسلامی در ائتلاف با بازار هر شهرتست عنوان "دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۰۰۰" در سراسر کشور حضور و فعالیت انتخاباتی این داشت. ضمن اینکه در قم و تهران لیست این حزب تقریباً همان لیست جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز تهران بود.

این ترفند در مورد ضعف حمایت از برخی نمایندگان مجلس دوره اول که با جنبه‌های سیاسی حاکم مخالفت می‌کردند کارگزاران این نمایندگان که با توجه به تغییرات کیفی در ترکیب رهبری حزب جمهوری اسلامی از چهار سال پیش بدین سو خود بخود از لیست‌های حزب حاکم حذف می‌شدند، از هرگونه حمایت سازمانی دیگر نیز محروم ماندند و با مجبور بودند بطور منفرد کاندید شوند یا از نمایندگی مجدد بطور "داوطلبانه" صرف‌نظر کنند.

"اما برای از میدان بدر بردن این گروه، تنها به حذف آنها از لیست نهاد های قدرت اکتفا نشد. از ماه‌ها پیش، گروه‌های فشار در تهران و شهرستان، به تهیه "لیست‌های سیاه" از نمایندگان دست زدند که در دفاع از اصلاحات اجتماعی، در راستیضاح و زرای راستگرا و خلاصه هر آنچه در نظر بازار و طرفدارانش "ناطلبوب" بود، از خود جرات بیشتری نشان می‌دادند. یک سال پیش هنگام بررسی اعتبارنامه‌های خاموشی و پورا استاد در مجلس، خاموشی فواد کربمی نماینده اهواز را به سبب افشاگریهایی که درباره سوابق او کرده بود به چنان "مجازات"ی تهدید نمود که "برای سایرین عبرت شود" (اطلاعات ۲۷ فروردین ۶۲). رفسنجانی رئیس مجلس نیز که از خاموشی دفاع می‌کرد، به فواد کربمی نصیحت نمود و "خودش را به خطر نیندازد." (همانجا)

خاموشی‌ها تهدید خود را عملی کردند. محمد عبایی خراسانی سرپرست "دفتر تبلیغات اسلامی" اخیراً فاش نمود: "دفتر تبلیغات قبل از اینکه تصمیم بگیرد در انتخابات کاندیدا معرفی نکند، در شهرستانها و مراکز استانها جهت اطلاع از زمینه نمایندگان فعلی یک سلسله تحقیقاتی انجام می‌داد. ما ضمن برنامه‌های تحقیقاتی متوجه شدیم دست‌های مرموزی زمینه‌سازی از نمایندگان فعال فعلی (را) ۰۰۰ خراب کرده‌اند." وی افزود: "به بهانه اینکه فلان نماینده در راستیضاح فلان وزیر شرکت داشته یا در فلان برنامه نطق تنیدی داشته و یا گاهی انتقاد می‌کرده و مطالبی را مطرح و بی‌پیرایه بیان نموده زمینه چینی نمایندگان را خراب کرده‌اند." (کیهان ۲۲ فروردین)

مجلس هماهنگ

بقیه از صفحه ۲

رهبران جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش از آغاز تدارک انتخابات، کار حاکم کردن اختناق و سرکوبگری را آغاز کرده فعالیت احزاب و سازمانها انقلابی ممنوع اعلام شده و اعضا و هواداران آنها تحت تعقیب قرار گرفتند. تشکلهای تودهای یکی پس از دیگری منحل گردیدند. بالاخره هم در قانون انتخابات شرایطی را برای انتخاب شوندگان در نظر گرفتند که صریحاً احزاب و سازمانهای انقلابی را از شرکت در انتخابات محروم می‌کرد (مورد ۵ از ماده ۳۲) اما جمله در ماده ۵۰ این قانون ارتجاعی آمده است:

"وزارت کشور پس از وصول مشخصات داوطلبان از فرمانداریها و بخش‌داریهای مراکز حوزه‌های انتخابیه تدریجاً لیست کامل آنان را تهیه و به منظور بررسی سوابق آنها در رابطه با صلاحیت‌های مذکور در این قانون به مراجع ذیصلاح "مرکز اسناد انقلاب اسلامی، واحسد اطلاعات سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین الملل" در مرکز ارسال می‌دارد." (اطلاعات ۲۶ بهمن ۶۲) به موازات محروم کردن "قانونی" نیروهای انقلابی از شرکت در انتخابات، تلاش برای ارایه لیست واحد از سوی نهاد‌های قدرت در جمهوری اسلامی نیز آغاز گردید. خامنه‌ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد این حزب در صد ائتلاف با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز تهران است. (نشست مشترک مسئولین حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران) رهبری جمهوری اسلامی به این ارزیابی رسیده بود که زمان یک دست کردن لیست واحد بسود راستها فرارسیده است. تأیید و تصحیح علنی آیت‌الله خمینی از عسکر اولادی و ادارودسته اش در همین راستا بود.

اما تلاش برای دستیابی به لیست واحد به سرانجام نرسید. رفسنجانی رئیس مجلس در نماز جمعه ۱۹ اسفند تهران گفت:

"در آستانه انتخابات، حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین قم و شورای ائمه جمعه و دفتر تبلیغات اسلامی و بعضی از نهاد های محبوب باید یکسر در صدد نبودند که افراد موجه و صالح را پیدا کنند و دسته‌جمعی و حتی الامکان با ائتلاف اینها را به کل کشور و مردم معرفی کنند." (روزنامه ج ۱۰ - ۲۰ اسفند ۶۲)

اما پس از عدم موفقیت در ایجاد "ائتلاف بزرگ":

"امام فرمودند که ما هیچ حوزه‌ای به حوزه دیگر کاندید معین نشود یعنی همه این جریانهای محبوب کشور ۰۰۰ اینها جمع نشوند از اینجا مثلاً برای زاهدان، برای چاه بهار،

وقتی آقای فتحعلی

برای خرید به بازار می رود!

آقای فتحعلی معاون پشتیبانی و تولیدات و خدمات وزارت بازرگانی است. جمهوری اسلامی وی را بعد از عید نوروز با مقدار ناچیزی پول برای رساندن جمهوری اسلامی ایران به خودکفایی لازم عازم خرید از بازار نمود. او در راس هیات مسی مرکب از ۱۴ نفر راهی دیار غربت شد و برای اطمینان خاطر همه قبل از سفر گفت: " ترتیبی داده شد ماست که اصل نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، در کلیه سیاستهای خرید و زارت بازرگانی انعکاس داشته باشد." (کیهان ۲۲ فروردین ۱۳۶۳)

بهرحال، آقای فتحعلی با اعتقاد راسخ به این امر قدم در راه نهاد. مسلم بود که ایشان بهیچ وجه به سوی شرق و غرب نخواهد رفت. بنا بر این بسوی باختر (و نه غرب) راهی شد و رفت تا به آلمان فدرال رسید. در آنجا آقای فتحعلی " طی بازدید خود از کروپ که ۴۰ درصد سهام آن متعلق به ایران است در زمینه هایی به همکاری و سیعی دست یافت".

آقای فتحعلی همچنان بر اصل نه شرقی، نه غربی پایر جا بود. او برنامه سفری نیز برای همسفرانش چید که نه به طرف شرق باشد و نه به طرف غرب. آنها جنوب باختری را برگزیدند تا به برزیل برسند. آنها قرار است " از تولیدات این شرکت (کارخانه کروپ) دیدار کرده و نسبت به خرید قطعات آن که دولت ایران در آنها نیز سهم است، اقدام نماید".

در همه دید و بازدیدها هیچگونه خللی به اعتقاد فرستاده جمهوری اسلامی به شعار " نه شرقی، نه غربی " وارد نشد. با این اعتقاد آقای فتحعلی دوباره قدم بر راه نهاد و نه شرق و نه غرب، بلکه جانب شمال را گرفت و رفت و رفت تا به سوئد رسید. در آنجا " دیدار هیات فنی و تجاری ایرانی با هدف خرید قطعات کامیونهای ولو و ولو پام ۱۰۰ و صورت گرفت و در جریان این سفر پس از بازدید از کارخانجات مذکور طی مذاکراتی با مدیران شرکت های نامبرده به اهداف مورد نظر دست یافتیم".

پس از اینجا آقای فتحعلی باز پای به سفر نهاد. در عزم راسخ و هیچ خللی وارد نشده بود. او باز هم راهی را انتخاب کرد که نه شرق باشد و نه غرب، و رفت بصمت خاورد و رتا به ژاپن رسید. در آنجا برخلاف ایران کمک فنرو یا طاقان پیکان بوفور یافت می شد. آقای فتحعلی به فکر هم میهنان خود بود و به اندازه کافی از آن لوازم خرید. " طی این سفر پاره ای از قطعات اتومبیل پیکان، چون کمک فنرو یا طاقان پیکان را از ژاپن تهیه کردیم و برای نخستین بار یک میلیون و پانصد هزار کمک فنر جهت پیکان و پاره ای قطعات این اتومبیل و دیگر قطعات یدکی به ارزش ۷ میلیون دلار از ژاپن خریداری شد. ۵۰۰ هیات بازرگانی وقتی ایران (همچنین از شرکتهای تولیدی مزد و نسیان که تا این کنده قطعات پاره ای شرکتهای وزارت بازرگانی است بازدید کرد.

آقای فتحعلی سفر خود را با جو شحالسی از اینکه، اصل نه شرقی و نه غربی " همچنان پایرجاست، به کش و ر بازگشت. (نقل قولها از کیهان ۲۲ فروردین ۱۳۶۳)

مجلس هماهنگ

بقیه از صفحه ۱۰

علاوه بر تمام تمهیدات فوق که بمنظور ساختن مجلسی هماهنگ با احکام جمهوری اسلامی انجام گرفت، برای سران رژیم کشاندن تعداد هر چه بیشتری از مردم بیای صند و قهای رای نیز مطرح بود. و این امر البته برای آنها در هر چه شورتر کردن آش جازدن لیست های تعمیلی و انتصابی بعنوان انتخابی، محدودیت های وجود می آورد. بنا بر این، از چند هفته پیش از انتخابات، تبلیغ می کردند که " لیستهای مفید هستند، ولی تکلیف شرعی مردم را برای تحقیق خودشان از بین نمی برد، ۰۰۰۰ احدی شرعاً نمی تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رای دهد." (نخست وزیر، کیهان ۲۰ فروردین)

اما سران حکومت خیلی زود از این " توصیه " ای که به مردم کرده بودند، پشیمان شدند. قبل از همه خامنه ای رئیس جمهور و رود بیر کل حزب. اکم از مردم تهران خواست " مشاورت با افراد خیر و بصیر بمنظور جلوگیری از پراکندگی آرا " رای دهند. (روزنامه ج ۱۰، ۲۲ فروردین) بعد هم از قول آیت الله خمینی حرف خود آقا را که اگر " کسی نسبت به کاندیداها شناختی ندارد نباید رای بدهد " پس گرفتند و اعلام کردند: " اگر نسبت به خود کاندیداها و یا صلاحیت آنها شناختی ندارند می توانند به کاندیدا هایی که افراد مورد اطمینان معرفی می کنند رای دهند. " (روزنامه ج ۱۰، ۲۵ فروردین) روشن است از دید رهبری جمهوری اسلامی " افراد مورد اطمینان " چه کسانی هستند. بدین ترتیب در آخرین روزها، سران حکومت کوشیدند تنه امکان انتخاب را از مردم سلب کنند و حتی به مردم اجازه ندهند برخی از نیروهای حاکم را بر برخی دیگر ترجیح دهند. این امر البته اینجا و آنجا در تضاد با مقتضیات نمایش " پلورالیستی " پیش از انتخابات قرار می گرفت. اما اکنون با صراحت اعلام شده است که بعد از انتخابات دیگر از همین رنگ و لعاب " پلورالیستی " و " دمکراتیک " هم خبری نخواهد بود. رفسنجانی در نماز جمعه ۲۱ فروردین گفت: " اگر بخواهد این حالت جدایی که مخصوص زمان انتخابات است، این ادامه پیدا کند برای بعد، این خطر غیرقابل چیرانی پیش می آورد. " (صدای جمهوری اسلامی ۱۳ فروردین) رفسنجانی از " بازنده ها " ی انتخابات دعوت کرد شکست خود را بپذیرند و صحنه را خالی کنند.

اما به آقای امام جمعه وقت تهران باید گفت که هر کس هم صحنه هیاهوی انتخاباتی را ترک کند. خود مردم صحنه دفاع از منافع خود را ترک نخواهند کرد. مردم مجلسی را که برخلاف اراده آنان با طرفداران غسارت سرمایه داری پر شده است قاطعانه طرد خواهند کرد.

درخشش انقلاب نور

بقیه از صفحه ۸

تعمیرات رژی، حاکمیت ملی و استقلال ملی کشور، دفاع قاطعانه از دستاوردهای انقلاب هفتم نور ۱۳۵۷، خنثی ساختن و درهم شکستن نیروهای ضد انقلابی، تأمین وحدت عمل همه نیروهای دمکراتیک، ملی، ترقیخواه و میهن پرست در دفاع از انقلاب، تأمین امنیت، آزادی و وحدت مردم کشور. یکی از مهمترین بخشهای برنامه مذکور، از بین بردن مناسبات کهنسسه فئودالی و نیمه فئودالی از طریق اصلاحات ارضی دمکراتیک بود. علاوه بر این، تقویت بخش دولتی در اقتصاد، دمکراتیزه کردن حیات اجتماعی و دستگاه دولتی، تقویت ارتش بمنظور دفاع از دستاوردهای انقلاب، محو نفوذ استعمار نو و امپریالیسم و وابستگی های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک، از بین بردن ستم ملی و یافتن راه حل دمکراتیک مساله ملی، تضمین برابر حقوقی زن و مردم در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی، تثبیت و کنترل قیمتها بسود زحمتکشان،

تحصیلات ابتدایی رایگان و عمومی و گسترش تحصیلات رایگان متوسطه، عالی و حرفه ای و ایجاد نظام بهداشت و درمان رایگان و مبارزه علیه الکل و مواد مخدر از اجزای دیگر برنامه حکومت انقلابی بشمار می آیند.

دولت در عرصه سیاست خارجی، سیاست عدم تمسح و " بیطرفی فعال " بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز، مناسبات دوستی و همکاری با همه کشورهای همسایه، بخصوص همسایه بزرگ شمالی، اتحاد شوروی را اعلام نمود.

" گارد جمهوری " که ازگان سرکوب رژیم داود بود، منحل گردید. امرای ارتش تصفیه شدند. اکثر مامورین دولتی برکنار شده و ۸۰۰۰ زندانی سیاسی به آزادی دست یافتند. ۹۵۰۰۰ اموال خانواده شاه (۱۰۰ هزار هکتار زمین، باغهای میوه و سیب و ۷۶ قسرو ویلا) بلا فاصله بدون پرداخت فرات مصادره شده و به مالکیت خلق درآمدند. برابری ملیتها، لغو قروغنه دقانان، برابری حقوق زن و مرد، اصلاحات ارضی و اقدامات مشابه، در شش ماه اول پس از انقلاب اعلام شده و پایان شرایط قرون وسطایی در افغانستان را رقم زد. ادامه دارد.

رویدادهای
جهانخشم مردم صلح دوست اروپا
علیه استقرار موشکهای هسته‌ای آمریکا

امسال نیز همانند سالهای قبل صد ها هزار انسان صلح دوست در اروپا راهپیماییها و آکسیونهای اعتراضی عید پاک را با شکوه و جلال خاصی برگزار کردند. در آلمان فدرال مردم صلح دوست با حمل پلاکاردها و شعارها خواهان خروج موشکهای هسته‌ای آمریکا از جمله پرتیگ ۲ و موشکهای بالدار شدند. در برخی نقاط کشور، صلح دوستان با سد کردن سربازخانه ها و مقر استقرار موشکهای هسته‌ای نفت و انزجار خود را از سیاست جنگ افروزانه آمریکا و متحدین ناتوی اشرار بران نمودند. آنها از دولت جمهوری فدرال آلمان خواستند تا موشکهای اتمی استقرار یافته را برجیند تا صلح، این نعمت طبیعی بشریت از خطر نابودی مصون بماند. در راه پیمایی های امسال عید پاک مطالبات صنفی کارگران با شعار صلح در هم گره خورد. سندیکاهای کارگری با شرکت عظیم خود خواهان اجرای ۳۵ ساعت کار در هفته شدند. کارگران با دادن شعار "کار بجای موشک" خواستار تضعیف حقوق اشتغال و کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته شدند.

در شهرهای کزیو، سیسیل و پالوم ایتالیا. دهها هزار نفر در مقابل محل های استقرار موشکهای هسته‌ای آمریکا دست به راهپیمایی زدند. در شهر اوئل اسکاتلند نیز هزاران نفر در مقابل مرکز اطلاعات و ارتش آمریکا

به تظاهرات پرداختند، که گروهی از تظاهرات کنندگان توسط پلیس اسکاتلند دستگیر شدند. راهپیمایی های عید پاک باردیگر پرسشهای مردم جهان را برای تحکیم صلح و دوری جستن از مسابقه تسلیحاتی نشان داد.

فراخوان کشورهای سوسیالیستی
برای حفظ صلح جهانی

وزرای امور خارجه کشورهای سوسیالیستی اروپا ابتکارات اخیر کشورهای سوسیالیستی را در رابطه با ممنوعیت کامل و عمومی کاربرد سلاحهای هسته‌ای و شیعیایی، نظامی کردن فضا، انجماد کمی و کیفی تسلیحات هسته‌ای و همچنین انصراف همه جانبه از برتری طلبی نظامی در اروپا را مجدداً بیان کردند.

کشورهای سوسیالیستی از تمامی کشورهای که تن به استقرار موشکهای هسته‌ای داده اند، خواستار شدند که بفوریت و بدون تردید گامهای جدی در جهت برجیدن و توقف استقرار موشکهای میان برد هسته‌ای در کشورهای خود بردارند. فقط در اینصورت کشورهای سوسیالیستی اقدامات متقابل خود را لغو شده اعلام خواهند کرد.

وزرای امور خارجه کشورهای سوسیالیستی اروپا ارج و اعتبار همه جانبه‌ای به حرکت جنبش های خود ای صلح علیه جنگ هسته‌ای قائلند.

راهپیمایی دو میلیون نفری در برزیل
برای انتخابات آزاد

حدود ۲ میلیون نفر طی یک راهپیمایی باشکوه خواستار انتخابات دموکراتیک ریاست جمهوری شدند. راهپیمایان به دعوت احزاب مخالف دولت از جمله حزب کمونیست برزیل که کماکان از آزادی فعالیت علنی محروم است در سائوپولو گرد هم آمده بودند.

بر اساس اخبار مطبوعات، حزب کمونیست برزیل در برگزاری این میتینگ تاریخی نقش فعالی داشت و پلاکاردها و پرچمهای این حزب که همه جا دیده می شد، جلای خاصی به این میتینگ می بخشید.

ژنرال فیگرد و رئیس جمهور نظامی فعلی برزیل قبل از راهپیمایی اعلام کرد با انتخابات آزاد برای ریاست جمهوری، با شرط برگزاری آن در سال ۱۹۸۸ موافق است. مردم با حضور میلیونی خود به ژنرال پاسخ "نه" دادند.

اعتراضات دانشجویان پاکستان
علیه ضیاء الحق

در تاریخ ۲۳ آوریل تظاهرات جدید دانشجویان بر علیه سیاست سرکوبگرانه حاکمیت نظامی پاکستان برپا شد. در شهر کراچی پس از آنکه پلیس بر علیه تظاهر کنندگان وارد عمل شد، درگیریهای سختی میان دانشجویان و پلیس در گرفت. دانشجوین خواهان لغو فرمان دولت در مورد منع فعالیت اتحادیه دانشجویی شدند. مقامات حکومتی در تلاش جهت ایجاد موانع در شرکت دانشجویان در جنبش ملی برای دموکراسی میباشند. چندی پیش نیز دانشجویان طی تظاهراتی سخنرانی ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان را که در شهر پیشاور برگزار شده بود برهم زدند.

درخشش انقلاب نور
برقاریکی ها غلبه میکند

در صفحه ۸

با جمع آوری
کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

AKSARIYAT

NO. 4

FRIEDAY, 27 APRIL 84

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال ۱ مارک اتریش ۸ شیلینگ
آمریکا ۵۰ سنت سوئد ۳ کرون
انگلستان ۳۰ پنس فرانسه ۳ فرانک
ایتالیا ۱۰۰ لیر هندوستان ۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید از طریق آدرس های زیر مکاتبه کنید.

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 68158
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا